

امید لیل اور مجلس علی اکبر

ص

لیلا

نوجوان من با کمال من

داده شئی ز نشت قد و بالا را

میدوی میدان اینچل

مکینی مجنون افر لیلا را

من بغه بان طاق البر و بیت

مستک میریند و تار کسب و بیت

نامزد مانده دخت و عیوب

یوسفم رشی کن ذلیخارا

ایچه ا

ایستاد ابو الفتح و حسن میا
کشتا البیاض من ادب من میا
ز جاح خندت لک لیل که بخت تو اهی
بسیار جلال علی را دیکه تو
بزرگوار و سعادتی که میا
کمال ابو یوسف را به به آفتاب

علی
چه خوش فراموش اندازد عجب ناله دار
تفکر و مالدت است کیون بسیار
قدمه که در آن که سر مرده مار
نوا و تاب جهان به چرخ مار

علی ای لاله تشبیهاتو بوی منوش لیلای
منی گویم سرو اما برو آهسته آهسته

سردارد
هر آن زن را که دایم بکند گری
امیدم بود در حقانم در خیر دارد
رخساره را مرا بلباسی آهسته آهسته
نه انشمن زمین لبی ببرد آهسته

باز حجت گنیم من بنارت پروریدم من
ز تو خیزی نذیرم من برو آهسته آهسته

خوش آید ز بهار که در خانه
در بر گیسوی کاشانه
سود این صدف و لاله
نمونه نوین مروارید و لاله
آهسته آهسته

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

وآلهم

در سر به ضیاء دارم روحی شاد
و در سر به ضیاء دارم روحی شاد

و در سر به ضیاء دارم روحی شاد

تندی بنشینم علی کوتم
بگو نام علی را بنجلی گوتم
مده ام نام علی را بنجلی گوتم

ایکبارت بلا خانه فایم کردی
مهمانم و ظلم بی حسابم کردی
ایکبارت بلا خانه فایم کردی

ایکبارت بلا دلم با کبیرت کردی
بودی ز کفر سینه کیا هم کردی
ایکبارت بلا دلم با کبیرت کردی

کیا می ایستد الهی طاقتم شده طاق
بیایه صادر اکبر بنو یهود متناق
علی اکبر

مرحبا بكم في هذا اليوم
الذي هو يوم الجمعة
التي هي يوم الجمعة
التي هي يوم الجمعة
التي هي يوم الجمعة

کجا مادر
 علی اکبر
 مگر خورشیدی به لب
 سفر کردی مرا با خود
 مرا ببرد و ستار
 گل چشم چه از من
 مگر حرف بدی از من

تلفتم حرف بیدای پانتمینم
نور احمد بنیم جای کنینم
علی

علی

مکتب

علی اکبر به اصفه و عده داری
آواری باذوق شادی

که او را عهد کن عهد وفائیت
و قایم عهد کن عهد وفائیت

که در انتظار بیاید ای علم جان
بدیدم خواب دیدم ای علم جان

که گشت پاره کرده در بیابان
من از این خواب ببین تشویش دارم

بمیدان رفتنت دل ریش دارم
امیدم

امیدم

س

امیدم بود امانت نمایم
میان همه ان شادت نمایم
نه انشتر که چرخ آید و سی
جو انشتر گت کند پیش از عروسی
امیدم بود در هنگام پیری
عصای پیری مادر بگری
نه انشتر کنی از من جداش
روی از انشتر من جانانیش
نه ارم

ص ۲

مادر کنعان مادر

مادر کنعان مادر

مادر کنعان مادر

مادر کنعان مادر

مادر کنعان مادر

مادر کنعان مادر

مادر کنعان مادر

مادر کنعان مادر

مادر کنعان مادر

ص ۱۱

رضا گشت همه ان رو نمائش
به صادر یقین دائم نیاش

کنیز از اشک دیده کنیز
زنان سیه سیه کنیز جان زار من
چین را خبیر کنیز که رفت جان زار من

علی نیتین نجیب گاه که میبوی بختگاهان
لشده است ز فرسایان چه موی مشک بام

این

سینه عود و معجزه
 فدای زلف پور خیمت جوان طلع از من
 سینه لبه سر اینتر جان طلع
 عنایه مرده ها جان از ایندل فکار من
 برفت اکبر از لبه کهنه خاک بیه
 کهنه ز فرق معجزه جوان بی مثال من
 خیمه

۱۳/۱۰ ۵/۳۱ ۳/۳۱ ۱۲/۱۱ ۱۰/۱۱ ۵/۱۱ ۳/۱۱ ۱۲/۱۰ ۱۰/۱۰ ۵/۱۰ ۳/۱۰ ۱۲/۰۹ ۱۰/۰۹ ۵/۰۹ ۳/۰۹

کنند ما را در هر روز علی اکبر
خوب بگویند و هر که رفت جان نازم

اذا ان بگویند و هر که رفت جان نازم
علی اکبر همیشه ان میبرد و الله یا الله
علی بر خنک عدوان میبرد و الله یا الله

خدا از سوز دل آگهی که جانم رفت
ز جان عزیز تر آگهی جو انم رفت

همه عیبی جان من بقدر داشت
نویسم منی من تصدق جانم

یا حسین

۴۱

الکبریا است

یا حسین بگو علی الکبریا است

الکبریا تنها میان لنگه است

ترسم ای آقا نه بنیم دیگرش

من سر اغش سوی میدان میروم

سه فصل بهار و شوم از غصه هلاک

دارم جلد کتاب و چینی بنشاک

مکملها

عرب را بگو سارا در مدرسه

عرب را بگو احسان بی بی

مکتب حدیث جوان ماهر عرب

بچه دلم خود این مرا بگو

سزفاک آورده برون
 قلدها
 الاقل من اسر فو برون بنجاک

نور چیمان نمر پاو لری پاو لری
 ای علی ای پسر پاو لری پاو لری

تمام شده از خواسته خان عزیز القاسم